



پنجشنبه 27 خرداد 1395 - 10 رمضان 1437 - 16 ژوئن 2016

درگیری مردم با مأموران در جریان رأی اعتماد مجلس به عبدالحسین هژیر...

* 27 خرداد

در گذر تاریخ

* درگیری مردم با مأموران
در جریان رأی اعتماد مجلس
به عبدالحسین هژیر
(1327 ش)

اشاره:

پس از سقوط دولت ابراهیم حکیمی، دربار کوشش می‌کرد یکی دیگر از ایادی خود را که مورد توجه سیاست انگلیس نیز باشد به عنوان نخست وزیر به ملت تحمیل کند و عبدالحسین هژیر، وزیر دارائی احمد قوام برای این سمت نامزد شد. اما مخالفت آیت‌الله کاشانی به عنوان پیشوای مذهبی مردم، مانع این امر گردید. چرا که ایشان با افشاگری علیه دولت‌های پس از شهریور 1320، آنها را با شکست روبه رو کرده بود. در این میان، مأموران سعی داشتند با تهدید و ارباب مردم را به سکوت بکشانند. روزی که قرار بود، هژیر کابینه خود را به مجلس معرفی کند، جمع کثیری از مردم در منزل آیت‌الله کاشانی اجتماع کردند و به طرف مجلس به حرکت درآمدند. این تظاهرات به صورت یک راهپیمایی از منزل کاشانی به سوی مجلس شکل گرفت. هنگامی که آنان نزدیک مجلس رسیدند ناگهان صدای گلوله‌ها بلند شد. زد و خورد مأموران با مردم آغاز گردید و جمعی نیز مجروح و مقتول شدند.

با این شکل، هژیر در مجلس حاضر شد و رأی اعتماد گرفت. حادثه این روز با عکس العمل شدید مردم مواجه گردید و مبارزه علیه هژیر را توده‌های مردم به رهبری کاشانی به دست گرفتند. نخست‌وزیری هژیر و واقعه 27 خرداد 1327، پیکار ملت مسلمان ایران را در مقابله با نظام دیکتاتوری وابسته به استعمار انگلستان از حالت دفاعی و تبلیغاتی به حالت تهاجمی متحول کرد و دولت هژیر در برابر این اعتراضات بیش از یکصد روز تاب تحمل نیاورد.

* تشکیل «جهاد سازندگی»

به فرمان «حضرت امام خمینی» (ره) (1358 ش)

اشاره:

جهاد سازندگی در 27 خرداد 1358 با فرمان امام خمینی (ره) تشکیل گردید و از همان آغاز کار توانست خیل عظیم نیروهای دلسوز، جوان و متخصصین متعهد و مسلمان در رشته‌های گوناگون را برای احیاء و نوسازی روستاها در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به خود جذب نماید. امام امت به هنگام تشکیل جهاد سازندگی فرمود: «الان که مرحله سازندگی است، ما دستان را پیش ملت دراز می‌کنیم و از ملت می‌خواهیم که همه در این نهضت شرکت نمایند.» به دنبال صدور این فرمان، اقشار مختلف مردم جهت محرومیت زدائی بسیج شدند.

خدمات ارزنده جهاد سازندگی علاوه بر سازندگی و آبادانی مناطق محروم کشور در طول هشت سال دفاع مقدس، از نقش مؤثر این نهاد انقلابی در حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران حکایت دارد. جهاد سازندگی در زمینه‌های صنایع روستائی، کشاورزی، دامداری، سدسازی، منابع طبیعی، آب‌خیزداری و ده‌ها مورد دیگر، فعالیت‌های گسترده‌ای در سطح ایران و برخی کشورهای آفریقائی انجام داده است. جهاد سازندگی در سال 1362 تبدیل به یک وزارتخانه شد و پس از آن که در سال 1379 در وزارت کشاورزی ادغام گردید، وزارتخانه جهاد کشاورزی به وجود آمد.

* تأسیس دانشگاه آزاد

اسلامی (1361 ش)

اشاره:

ایده تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی ابتدا در جامعه اسلامی دانشگاهیان مطرح شد و به دنبال آن آقای هاشمی رفسنجانی رییس

وقت مجلس شورای اسلامی با طرح این مطلب در شورای اقتصاد، نظر مساعد شورا را تامین نمود. این مسئله با حضرت امام خمینی(ره) نیز مطرح شد و معظم‌له از این پیشنهاد استقبال نموده و مبلغی را بدین منظور اهدا کردند. پس از تدوین اساسنامه مقدماتی دانشگاه آزاد اسلامی، آقای هاشمی رفسنجانی در آخرین جمعه اردیبهشت سال 1361 موجودیت این دانشگاه را اعلام کرد. سرانجام دانشگاه آزاد اسلامی در 27 خرداد 1361 به طور رسمی تأسیس شد و پس از گذراندن مراحل مقدماتی، آماده پذیرش دانشجو در اواخر آن سال شد. بدین ترتیب که در اسفند ماه 1361، اولین آزمون دانشگاه آزاد اسلامی در 10 شهر کشور و با حضور 30 هزار شرکت کننده برگزار شد که از این میان، 3000 نفر انتخاب و مشغول تحصیل شدند.

اساسنامه مصوب سال 1361 تا دی ماه 1364 به تنهایی مبنای کار و حرکت دانشگاه بود ولی بعدها اساسنامه جدیدی با عنوان قانون تأیید رشته‌های دانشگاهی آزاد اسلامی در دهم تیرماه 1369 به تصویب هیئت وزیران رسید که به موجب آن، نحوه همکاری استادان و محققان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های دولتی با این دانشگاه و همچنین طرز استفاده دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از آزمایشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، کتابخانه‌ها و کارگاه‌ها و فضای آموزشی مؤسسات آموزش عالی دولتی مشخص شد.

* عباس مسعودی بنیانگذار و مدیر مؤسسه اطلاعات در

سن 73 سالگی در دفتر کار

خود درگذشت. (1353ش)

اشاره:

وی علاوه بر انتشار چند نشریه 6 دوره نماینده مجلس و شش دوره سناتور بود. مدت 12 سال نیز نیابت ریاست سنا با او بود.

* درگذشت استاد جلیل شهناز استاد برجسته تار و سه تار (1392ش)

اشاره:

جلیل شهناز، در سال ۱۳۰۰ در اصفهان به دنیا آمد. تقریباً همه اعضای خانواده وی با موسیقی آشنایی داشتند و در رشته‌های مختلف هنر از جمله تار، سه‌تار، سنتور و کمانچه به مقام استادی رسیدند. پدرش «شعبان خان» علاقه وافری به موسیقی اصیل ایرانی داشت و علاوه بر تار که ساز اختصاصی او بود، سه‌تار و سنتور هم می‌نواخت.

عموی او غلامرضا سارنج هم از نوازندگان کمانچه بود. جلیل شهناز، از کودکی به موسیقی علاقه‌مند شد و نواختن تار را در نزد عبدالحسین شهنازی و برادر بزرگ خود حسین شهناز که به خوبی ساز می‌نواخت، آغاز کرد. پشتکار زیاد و استعداد شگرف جلیل به حدی بود که در سنین جوانی از نوازندگان خوب اصفهان شد. در کتاب «موسیقی‌دانان ایرانی» نوشته پژمان اکبرزاده آمده است: «شهناز نوازندگی در رادیو اصفهان را از سال ۱۳۲۸ آغاز کرد و در سال ۱۳۳۶ به دعوت سازمان رادیو به تهران آمد و در برنامه‌های گوناگونی مانند برنامه گلها، ارکستر حسین یاحقی و ... به عنوان تکنواز و هم‌نواز به فعالیت پرداخت. وی همچنین در گروه «یاران ثلاث» (همراه با تاج اصفهانی و حسن کسائی) و گروه «اساتید موسیقی ایران» کنسرت‌های بسیاری را در داخل و خارج از ایران اجرا نمود.

شهناز در برنامه‌های جشن هنر شیراز نیز حضوری فعال داشت. «این نوازنده تار در طول زندگی هنری خود با هنرمندان والای کشور از جمله فرامرز پایور، حبیب‌الله بدیعی، پرویز یاحقی، همایون خرم، علی تجویدی، منصور صارمی، رضا ورزنده، امیر ناصر افتتاح، جهانگیر ملک، اسدالله ملک، حسن کسائی، محمد موسوی، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری، محمودی خوانساری، عبدالوهاب شهیدی، اکبر گلپایگانی، حسین خواجه امیری و محمد رضا شجریان همکاری داشته‌است. وی در دهه ۱۳۶۰ همراه با فرامرز پایور (سنتور)، علی اصغر بهاری (کمانچه)، محمد اسماعیلی (تنبک) و محمد موسوی (نی) «گروه اساتید» را تشکیل داد و با این گروه، مسافرت‌های متعددی به کشورهای اروپائی، آسیائی و آمریکا داشت. وی در سال ۱۳۸۳ به عنوان چهره ماندگار هنر و موسیقی برگزیده شد.

همچنین در ۲۷ تیر سال ۱۳۸۳، مدرک درجه یک هنری (معادل دکترا) برای تجلیل از یک عمر فعالیت هنری به جلیل شهناز اهداء شد.

در سال ۱۳۸۷، محمدرضا شجریان، گروهی که با آن کار می‌کرد را به افتخار جلیل شهناز، گروه شهناز نام گذاشت. جلیل شهناز، علاوه بر نواختن تار، که ساز اختصاصی اوست، با نواختن ویولون، سنتور و تمبک نیز آشنائی دارد. [۵] معروف است که او در شیوه نوازندگی می‌تواند با ساز خود علاوه بر نواختن، آواز هم بخواند. جلیل شهناز در ۲۷ خرداد ۱۳۹۲ به علت کهنسنت سن در تهران درگذشت.

* 10 رمضان

در گذر تاریخ

* وفات حضرت خدیجه(س) همسر با وفای پیامبر اسلام(ص) بنا به روایتی(10بعثت)

اشاره:

حضرت خدیجه‌ی کبری(س) که از زنان نامدار و ثروتمند قریش بود پانزده سال قبل از بعثت با پیامبر اسلام(ص) ازدواج کرد. این بانوی بزرگوار اولین فردی بود که به رسالت پیامبر ایمان آورد و با تمام توان و ثروت خود به یاری دین اسلام برخاست. وجود حضرت خدیجه برای پیامبر اسلام به قدری اهمیت داشت که پیامبر اکرم(ص) رحلت این بانوی بزرگ را مصیبتی عظیم خواند و سال رحلت حضرت خدیجه و حامی بزرگ دیگر خود یعنی حضرت ابوطالب را عام الحزن یعنی سال اندوه نامید، زیرا ابوطالب عموی پیامبر نیز در همان سال وفات یافته بود. پیامبر اکرم(ص)، حتی سال‌ها پس از رحلت آن بانوی بزرگوار، از ایشان به خوبی و نیکی یاد می‌کرد و او را ستایش می‌نمود. آن حضرت در جواب کسی که به پیغمبر گفت: خداوند، بهتر از خدیجه را به تو عوض داده است، فرمود: «سوگند به خدا که خداوند، مرا بهتر از او عوض نداده است. او به من ایمان آورد، هنگامی که مردم کفر ورزیدند و مرا تصدیق کرد، آنگاه که مردم مرا تکذیب کردند و با مال خود مرا یاری نمود، آنگاه که مردم، مرا محروم ساختند و پروردگار، مرا تنها از میان زنان، از او به ولادت فرزند روزی داد.» ام المؤمنین خدیجه(س) به هنگام وفات 65 سال داشت.

* ارسال نامه ی کوفیان برای «امام حسین(ع)» جهت عزیمت امام به عراق(60ق)
اشاره:

امام حسین(ع) پس از ترک اعتراض‌آمیز مدینه و ورود به مکه، به افشای ماهیت ضد اسلامی دستگاه یزید پرداخت. در این حال، مردم کوفه که خاطره‌ی حکومت علی(ع) را از بیست سال پیش در خاطر داشتند، از امام حسین(ع) جهت رهبری خود دعوت کردند. از آن پس، سران شیعیان کوفه، نامه‌هایی به حضور امام نوشتند که اولین نامه در دهم رمضان سال شصت هجری به دست آن حضرت رسید. ارسال نامه‌ها از طرف شخصیت‌ها و گروه‌های متعدد کوفی همچنان ادامه یافت به طوری که تنها در یک روز، ششصد نامه به دست امام رسید و مجموع نامه‌هایی که به تدریج می‌رسید، بالغ بر دوازده هزار نامه گردید. دعوت کوفیان، بُعد تازه‌ای به وضعیت داد و وظیفه‌ی تازه‌ای برای امام ایجاد کرد. بنابراین و با در نظر گرفتن شرائط موجود بود که امام حسین(ع) تصمیم به عزیمت به عراق گرفته، راهی آن دیار شد.

* برگزاری مراسم بیعت درباریان با امام رضا(ع) به امر مأمون عباسی(201 ق)
اشاره:

پس از تفویض و در حقیقت تحمیل ولایتعهدی مأمون به امام رضا(ع) در هفتم رمضان سال 201 ق، تشریفات بیعت، طی مراسمی شکوهمند در روز پنجشنبه دهم ماه رمضان همان سال به عمل آمد و حضرت بر مسند ولایتعهدی جلوس فرمودند. اولین کسی که به دستور خلیفه، دست بیعت به امام داد، عباس فرزند مأمون بود. پس از او، فضل به سهل، وزیر اعظم؛ یحیی بن اکثم، مفتی دربار؛ و سپس امرای لشکر و عموم اشراف و رجال بنی‌عباس که حاضر بودند، با آن حضرت بیعت کردند. موضوع ولایتعهدی امام رضا(ع)، طبعاً برای دوستان و شیعیان آن حضرت موجب سرور و شادمانی شد، زیرا آنان خلافت را حق مسلم اهل بیت(ع) می‌دانستند. ولی خود آن حضرت از این امر اندوهگین و متأثر بود و در مقابل اظهار خوشحالی یکی از اطرافیان فرمود: دل به این کار مَبَد و به آن خشنود مباش که دوامی ندارد.

* قتل «خواجه نظام الملک» وزیر دانشمند سلجوقی (485 ق)
اشاره:

خواجه نظام الملک در اصل از دهقان زادگان بیهق بود، اما در طوس تربیت یافت. او پس از تحصیل ادب و فقه، وارد دستگاه حکومتی آلب ارسلان شد. خواجه نظام الملک، مشهورترین وزیر ایرانی است که نزدیک به 30 سال وزارت سلجوقیان را بر عهده داشت.

از جمله اقدامات مهم وی تأسیس مدارس به نام «نظامیه» در طوس، هرات، نیشابور و بغداد است. در اواخر دوران وزارت نظام الملک، رابطه‌ی او با ملک‌شاه سلجوقی رو به تیرگی نهاد ولی شاه سلجوقی وی را عزل نکرد زیرا از طرفداران بی‌شمار وی هراس داشت. سرانجام در سال 485 ق در سفری که نظام الملک به همراه ملک شاه عازم بغداد بود، در نزدیکی کرمانشاه جوانی در لباس صوفیه به نزد خواجه آمد و او را با ضربت دشنه‌ای مجروح ساخت و خواجه با آن جراحت درگذشت. بعدها چنین شهرت یافت که گشته‌دهی وی، از فداییان اسماعیلی است. نفوذ نظام‌الملک در دستگاه سلاجقه با قتل او

از میان نرفت، زیرا فرزندان او در دوران سلجوقیان، مکرر به وزارت و مشاغل عمده‌ی دیوانی دست یافتند.

* شهادت سعید بن جبیر

به دستور حجاج (95ق)

اشاره:

« سعید بن جبیر » از شیعیان برجسته‌ی حضرت سجاد (ع) بود که پایداری‌اش در مسیر صحیح، به شهادتش به دست پلید حجاج بن یوسف ثقفی منجر شد.

او از تابعین بود. در مکه سکونت داشت و تمام قرآن را در دو رکعت نماز خود تلاوت می‌کرد.

فضل بن شاذان گفته است او یکی از پنج نفری بود که در اعتقاد به ولایت

حضرت سجاد علیه السلام پیشتاز و سرآمد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

« سعید بن جبیر به امامت علی بن الحسین علیه اسلام معتقد و در صراط مستقیم بود، و حجاج به همین دلیل او را کشت. »

وقتی او را نزد حجاج بردند، حجاج به او گفت: « نام تو « شقی » است؟ »

جواب داد: « مادرم که مرا

« سعید بن جبیر » نامید، اسم مرا

بهتر می‌داند. »

حجاج گفت: « در مورد ابوبکر و عمر چه می‌گوئی؟ آیا آنها در آتش‌اند یا در بهشت؟ »

گفت: « اگر به بهشت یا جهنم رفته بودم، حتماً می‌دانستم چه کسانی در کجا هستند. »

حجاج گفت: « نظرت درباره‌ی

خلفا چیست؟ »

او گفت: « من وکیل آنها نیستم. »

پرسید: « کدام یک را بیشتر

دوست داری؟ »

جواب داد: « هر کدام که بیشتر مورد رضایت خالق شان بوده اند. »

گفت: « خب، کدامشان بیشتر مورد رضایت خالق شان هستند. »

جواب داد: « این را کسی می‌داند که از اسرار آنها آگاه هست. »

حجاج گفت: « حاضر نیستی حرف‌های من را تصدیق کنی؟ »

سعید بن جبیر فرمود: « دوست ندارم تو را تکذیب کنم. »

حجاج گفت: « دوست داری تو را چگونه بکشم؟ »

او گفت: « هر طور می‌خواهی بکش، ولی من هم در قیامت، همان گونه از تو انتقام خواهم گرفت. »

حجاج دستور داد او را بکشند. سعید خندید. حجاج پرسید: « چرا می‌خندی؟ », گفت: « به جواب احمقانه تو و بردباری خدا می

خندم. »

جلادان حجاج او را به رو به زمین افکندند و خواستند سر از بدنش جدا کنند. او به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر و کفر

حجاج اقرار کرد و به خدا عرضه داشت: « خدایا به حجاج فرصت نده پس از من کسی را بکشد! »

دعای او به سرعت مستجاب شد. حجاج به بیماری خوره مبتلاء شد و بیش از پانزده روز زنده نماند. دچار بیماری روانی سختی

شده بود و مرتب می‌گفت: « سعید بن جبیر با من چکار دارد، هر وقت می‌خواهم بخوابم گلوی مرا فشار می‌دهد. » سپس

مرد.

* 16 ژوئن

در گذر تاریخ

* پذیرش دین مسیح (ع) توسط امپراتور روم و پایان کشتار 300 ساله مسیحیان (313 م)

* تولد «کلاوس

اسلوتر» هنرمند معروف

فرانسوی (1347م)

* کشف سرزمین

آرژانتین توسط دریانوردان

اسپانیا (1515م)

* مرگ دکتر «کراوفورد»
لانگ» پزشک آمریکایی
و کاشف اِتر (1878م)

* پرواز «والنتینا ترشکوا» نخستین زن کیهان‌نورد
به فضا (1963م)

* آغاز بمباران هوایی شهرهای ژاپن توسط آمریکا در جریان
جنگ جهانی دوم (1944م)

* آغاز قیام «سووتو»
علیه نژادپرستان
آفریقای جنوبی (1976م)